

خلاصه مدیریتی

رژیم صهیونیستی از ابتدای ظهور خود، همواره در تلاش ارتقاء امنیت عرضه منابع انرژی خود بوده و تلاش برای رهایی از وابستگی به واردات انرژی، از نظر سران این رژیم مسئله‌ای راهبردی می‌باشد. سیاست گذاران این رژیم پس از تحریم کشورهای عربی و توقف صادرات گاز از سوی مصر در سال ۲۰۱۱، تامین امنیت انرژی را در اولویت اول قرار دادند. با کشف دو میدان عظیم گازی تمار و لویاتان در آب‌های ساحلی این رژیم به صورت قابل ملاحظه‌ای، امید رژیم صهیونیستی به استقلال انرژی، افزایش یافته است. از نظر سران رژیم صهیونیستی این دو میدان دارای ژئوپلیتیک ارزشمندی هستند که تا حد زیادی باعث استقلال انرژی این رژیم و ابزاری برای سیاست خارجی و استحکام روابط با متحدین این رژیم خواهند شد.

کشف این میادین، انتظارات زیاد و در مواردی ارزش غیر واقعی از منابع گاز در بین مردم، دولت و سیاست گذاران این رژیم پدید آورد و سبب ایجاد دیدگاه‌های متفاوت و سازش ناپذیری گردیده، که در نهایت باعث تاخیر توسعه این میادین شد. تبدیل به یک صادر کننده منابع انرژی شدن چنان ذهن سران این رژیم را به خود مشغول نموده است، که فارغ از تحولات رخ داد در بازارهای جهانی و منطقه، صرفاً جنبه سیاسی یافته و رهبران این رژیم همچنان در تلاش برای اثبات اقتصادی بودن صادرات گاز به همسایگان دارند.

از نظر سران رژیم صهیونیستی، صادرات گاز عاملی توانا برای استحکام موقعیت و ثبات این رژیم در منطقه است. بویژه در صورت تحقق صادرات گاز به ترکیه، رژیم صهیونیستی چهارمین صادرکننده گاز به این کشور پس از روسیه، ایران و آذربایجان خواهد شد و از طرف دیگر فرصتی نیز برای صادرات گاز به اروپا پیدا خواهد کرد. برآورد بسیار زیاد منافع ژئوپلیتیکی از کشفیات گاز، تا بدانجا پیش رفته است که در برخی محافل سیاسی این رژیم، از گاز به عنوان یک سلاح یاد میشود.

گاز طبیعی می‌تواند جایگزین واردات زغال سنگ در بخش نیروگاهی و در بلند مدت جایگزین بخشی از واردات نفت در بخش حمل و نقل شود. همچنین درآمدهای حاصله از صادرات گاز در طرح‌های زیربنایی و افزایش اشتغال و درآمد مورد استفاده قرارگیرد.

تاکنون دولت رژیم صهیونیستی، بطور مکرر بر اهمیت مزایای ژئوپلیتیکی و منطقه‌ای گاز تاکید نموده است. این گزینه ممکن است در کوتاه مدت راه گشا باشد، اما با شروع صادرات حجم قابل ملاحظه گاز، دولت در صورت عدم بهره برداری مناسب از درآمدهای حاصله تحت فشار قرار خواهد گرفت.

مقدمه

رژیم صهیونیستی از ابتدای ظهور خود، همواره در تلاش ارتقاء امنیت عرضه منابع انرژی بوده است. درگیری های دائمی به ویژه تحریم های کشورهای عربی در سال ۱۹۴۸ سبب افزایش تلاش این رژیم برای دستیابی به منابع انرژی و در اولویت قرار گرفتن امنیت انرژی از سوی سیاست گذاران این رژیم شد. در سالیان گذشته این رژیم همواره در تلاش برای رهایی از وابستگی به واردات انرژی، به ویژه واردات نفت به عنوان مسئله ای راهبردی بوده است. با کشف دو میدان عظیم گازی تمار و لویاتان در آب های ساحلی این رژیم در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در منطقه ویژه اقتصادی، امید رژیم صهیونیستی به استقلال انرژی به صورت قابل ملاحظه ای در حال تغییر است. از نظر سران رژیم صهیونیستی این دو میدان دارای ژئوپلتیک ارزشمندی هستند که تا حد زیادی باعث استقلال انرژی آن رژیم خواهند شد. این کشفیات می تواند فرصتی برای صادرات گاز به کشورهای همسایه، و ابزاری برای سیاست خارجی و استحکام روابط با متحدین این رژیم فراهم آورد. در سالهای اخیر کاهش قیمت های نفت و گاز، از اهمیت اقتصادی این منابع است، اما سبب تغییر نگرش این رژیم از تاثیر ژئوپلتیکی آن در منطقه نشده است.

علیرغم خوش بینی اولیه، طی در دوره هفت ساله پس از کشف این میادین، مجموعه ای از درگیری ها و تنش های مداوم سیاسی و قانون گذاری، مانع از توسعه و بهره برداری از میدان بزرگ لویاتان و دستیابی به اهداف تعیین شده گردید. این مسئله موجب تشدید مشکلات اجتماعی و درگیری میان گروه های سیاسی شد. کشمکش های به وجود آمده در مورد منابع کشف شده، منجر به فرآیندی مسئله ساز درباره نحوه تصمیم گیری های اقتصادی در نظام سیاسی و افزایش نارضایتی در بین مردم شد. انتظار بیش از حدی که منابع کشف شده در بین مردم به وجود آورد، سبب ایجاد مناقشات اجتماعی گردید که توسعه میادین گاز و تبدیل شرق مدیترانه را به منطقه گازی، بسیار دشوار نمود.

پیش زمینه

با کشف دو میدان گازی نوا و مری با مجموعه ذخایر گاز ۳۳/۵ میلیارد مترمکعب در سال های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰، استفاده از گاز در بخش نیروگاهی رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۰۴ شروع گردید. با توجه به حجم اندک گاز میادین کشف شده، از سال ۲۰۰۸ این رژیم اقدام به واردات گاز از مصر نمود که ۴۰ درصد تقاضای گاز مورد نیاز آن رژیم را تأمین می نمود. در سال ۲۰۱۰ مصرف گاز رژیم صهیونیستی به ۵/۳ میلیارد مترمکعب در سال رسید که ۹۰ درصد آن در بخش نیروگاهی و تولید برق مصرف شده است. تا پایان سال ۲۰۱۰ سهم گاز در بخش نیروگاهی به ۴۰ درصد و سهم گاز در سبد انرژی به ۱۷ درصد افزایش یافت. در سال ۲۰۱۱، کاهش تولید گاز مصر باعث قطع واردات گاز و وضعیت اضطراری در بخش نیروگاهی رژیم صهیونیستی شد. در چنین شرایطی کشف

دو میدان عظیم گازی تمار و لویاتان در منطقه ویژه اقتصادی و در آب های عمیق ساحلی در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ برای سران این رژیم بسیار خوشایند بود.

میدان تمار در ژانویه سال ۲۰۰۹ با حجم ذخایر ۲۸۳ میلیارد مترمکعب و میدان عظیم گازی لویاتان در دسامبر سال ۲۰۱۰ با حجم ذخایر ۶۲۰ میلیارد مترمکعب کشف شدند. قابل ذکر است که رژیم صهیونیستی میدان طنین را در سال ۲۰۱۲ و میدان کاریش را در سال ۲۰۱۳ با مجموع ذخایر گاز ۵۵ میلیارد مترمکعب کشف کرد. در سال ۲۰۱۴ تولید گاز میدان تمار پاسخگوی نیاز مصرف داخلی (۷/۵ میلیارد متر مکعب) این رژیم بوده است. بخش نیروگاهی با ۸۵ درصد سهم، منبع اصلی مصرف گاز تولید شده میدان تمار و منبع تولید ۴۵ درصد تولید برق در بخش نیروگاهی در سال ۲۰۱۵ بوده است. بر اساس پیش‌بینی وزارت زیر ساخت های ملی، انرژی و منابع آب این رژیم، تا سال ۲۰۲۰ سهم گاز در بخش نیروگاهی به ۶۰ درصد افزایش خواهد یافت و مصرف گاز از ۱۲ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۲۰ به ۱۸ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید.

تأثیرات ژئوپلیتیکی

بازار گاز داخلی رژیم صهیونیستی بازار کوچکی است و منابع عظیم گاز کشف شده می تواند فرصتی برای صادرات گاز فراهم سازد. از نظر سیاست گذاران این رژیم، منابع گاز و صادرات آن به کشورهای همسایه، نقش این رژیم در منطقه را به تدریج متحول خواهد نمود. صادرات گاز به کشورهای نظیر قبرس، یونان و ترکیه به معنای ورود به بازار گاز شرق مدیترانه و نقطه عطفی برای روابط خارجی این رژیم است. در این شرایط، سران این رژیم اقدام به بهبود روابط سیاسی و اقتصادی خود با کشورهای شرق مدیترانه نموده‌اند و صادرات گاز را عاملی توانا برای استحکام موقعیت خود در منطقه محسوب می نمایند. دیدارهای مکرر سران یونان و قبرس از این رژیم در سال ۲۰۱۶ به این دیدگاه که اتحاد جدیدی در حال آغاز است، قدرت بخشیده است. از نظر سران این رژیم، پیمان رسمی برای بهبود روابط با ترکیه نشانه‌ای برای عقد قریب‌الوقوع قرارداد معامله گازی با ترکیه می‌باشد.

برآورد بسیار زیاد منافع ژئوپلیتیکی از کشفیات گاز، تا بدانجا پیش رفته است که در برخی محافل سیاسی این رژیم، از گاز به عنوان یک سلاح یاد میشود. این انتظارات تا حدی افراطی است، بطوریکه برخی از سران این رژیم در برابر اعمال تحریم از سوی اروپا، صحبت از اقدام متقابل و قطع صدور گاز به اروپا می‌نمایند. این اظهارات تأثیر رژیم صهیونیستی را بر کشورهای که در آینده اقدام به واردات گاز از این رژیم خواهد نمود بیش از اندازه برآورد و بزرگ جلوه می‌دهد.

کاهش شدید قیمت نفت، افزایش مازاد عرضه در بازار ال‌ان‌جی، افزایش رقابت برای عرضه گاز به اروپا، تمایل اردن برای واردات ال‌ان‌جی و کشف میدان عظیم گازی "زهر" در مصر نه تنها مورد توجه محافل سیاسی رژیم صهیونیستی قرار نگرفت، بلکه باعث ارزیابی مجدد نقش ژئوپلیتیکی گاز رژیم صهیونیستی و بازنگری آن نیز نگردید.

تصور تبدیل به یک صادر کننده منابع انرژی شدن چنان ذهن سران این رژیم را به خود مشغول نموده است، که فارغ از تحولات رخ داده، صرفاً جنبه سیاسی یافته و رهبران این رژیم همچنان در تلاش بر اثبات اقتصادی بودن صادرات گاز به همسایگان دارند.

فرصتهای ژئوپلیتیکی مخاطراتی به همراه دارد که اولین خطر آن از سوی ترکیه می‌باشد، کشوری که سران این رژیم بسیار مشتاق صدور گاز به آن هستند. قابل توجه است که برای توجیه ساخت خط لوله‌ای در زیر بستر دریا، حجم گاز تجارت شده باید در حدود ۸ الی ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال باشد. این میزان واردات گاز، ۱۰ درصد گاز مصرفی ترکیه را تامین، و این کشور را به بزرگترین خریدار گاز از این رژیم تبدیل خواهد نمود. **با این حجم صادرات، رژیم صهیونیستی چهارمین صادر کننده گاز به ترکیه پس از روسیه، ایران و آذربایجان خواهد شد و از طرف دیگر فرصتی برای صادرات گاز این رژیم به اروپا فراهم خواهد نمود.**

دومین مخاطره ژئوپلیتیکی از سوی روسیه است. روسیه بارها خواستار خرید بخش‌های بزرگی از میادین گاز رژیم صهیونیستی بوده که این امر به احتمال زیاد جنبه ژئوپلیتیکی دارد تا اقتصادی و هدف اصلی آن دسترسی به آب‌های ساحلی این رژیم توسط نیروی دریایی روسیه و افزایش حضور روسیه در شرق مدیترانه است. حضور روسیه در بازار گاز رژیم صهیونیستی می‌تواند در تقابل با سیاست‌های انرژی اروپا و کاهش وابستگی به واردات گاز از روسیه قرار بگیرد.

تأثیرات بر سیاست‌های داخلی

میادین کشف شده گاز نیازمند چارچوبی جهت بهره‌برداری و توسعه این میادین بود، مسئله‌ای که از آنچه در ابتدا تصور می‌گردید بسیار مشکل‌تر از کار در آمد. منازعات سیاسی و اجتماعی که در مرور زمان بر سر نحوه توسعه و بهره‌برداری از این میادین همراه با طرح‌های جاه طلبانه دولت برای بهره‌برداری منطقه‌ای از آنها شکل گرفت، توسعه این میادین را به تاخیر انداخت. از سال ۲۰۰۹ سیاست‌های بهره‌برداری از منابع گاز حول سه محور اساسی میزان درآمد‌های دولت، میزان صادرات و نحوه بهره‌برداری از درآمدهای حاصل از صادرات گاز (یارانه‌های انرژی یا توسعه زیر ساخت‌ها و اجرای طرح‌های زیربنایی) قرار داشت. کشف میدان تمار و میدان بزرگ لویاتان و احتمال صادرات گاز، باعث شروع موجی از درگیری‌ها و اختلاف در مجلس و بحث بر سر میزان صادرات گاز و درآمد دولت از منابع گاز با توجه به مسئله استقلال انرژی شد.

در اکتبر سال ۲۰۱۱، دولت پیشنهاد نمود تا ۶۰ درصد از گاز به مصرف داخلی تخصیص یابد. مشکلات بوجود آمده در پی تحریم نفتی اعراب، استقلال انرژی را در الویت اول اهداف و سیاست خارجی رژیم صهیونیستی قرار داده است. ضرورتی که با اقدام یک جانبه مصر و قطع صدور گاز در سال ۲۰۱۱ بویژه هنگامی که این رژیم در حال تدوین سیاست‌های مالی نفت و گاز بود، از اهمیت بیشتری برخوردار شد.

با قبول پیشنهاد دولت توسط شرکتهای گاز، توسعه میدان تمار به دلیل کمبود گاز بسرعت شروع و تولید از این میدان در سال ۲۰۱۳ آغاز گردید. شرکت‌های تولید کننده گاز همچنین با اردن و مصر نیز به توافق‌های اولیه‌ای

برای صادرات گاز رسیدند. مهمترین آن، توافق شرکت بین المللی بی جی (که بعدها به تملک شرکت شل درآمد) با مصر برای صادرات گاز به پایانه ال ان جی ایدکو و صادرات گاز به اروپا بود.

علیرغم اقدامات انجام شده، جهت جلوگیری از انحصار، توسعه منابع گاز برای ۴ سال به تعویق افتاد. در نوامبر سال ۲۰۱۲ کمیته ضد انحصار این رژیم اعلام نمود که قرارداد های منعقد شده با شرکت های خصوصی که میادین گاز را کشف نموده اند باعث انحصار در بخش گاز شده است، لذا از نظر این کمیته سهم شرکت های گاز در توسعه میادین باید کاهش یافته و مشارکت سایر توسعه دهندگان در توسعه میادین گاز الزامی است. این امر مشکلات اساسی برای دولت ایجاد نمود، زیرا بازار گاز این رژیم بازار کوچکی است که ۸۵ درصد تقاضای آن از بخش نیروگاهی است و اینکه در ۱۵ درصد باقیمانده چگونه می توان بازاری رقابتی ایجاد نمود و این تقاضا از سوی چه بخشی خواهد بود، مشکل به نظر می رسد.

در ژوئیه سال ۲۰۱۵ چارچوب جدیدی بین دولت و شرکتهای خصوصی تعیین گردید. بر اساس چارچوب جدید، سهم شرکت های توسعه دهنده بزرگ در توسعه منابع گاز کاهش یافت و در مقابل به این شرکت ها تسهیلاتی برای توسعه میدان لویاتان و مصونیت در مقابل تغییرات بازارهای انرژی جهان به مدت ۱۰ سال اعطا گردید. این پیشنهاد بدلیل جانب داری از تولید کنندگان، از طرف مردم و گروه های سیاسی با مخالفت شدید روبرو شد. میادین کاریش و تنین در قیاس با میدان لویاتان بسیار کوچک بودند و باعث رقابت در بازار نمی گردید. از طرف دیگر یکی از پیش شرط های اساسی احداث خط لوله گاز از میدان لویاتان به ساحل و تضمین امنیت تقاضای داخلی، قبل از صدور مجوز صادرات گاز برای تضمین امنیت انرژی در آن لحاظ نشده بود.

مکانیزم قیمت گذاری گاز نیز مورد مخالفت قرار گرفت، و مردم دولت را برای تن ندادن به درخواست های کمپانی های گاز تحت فشار قرار دادند. کمیته ضد انحصار در سال ۲۰۱۵ در اعتراض به چارچوب پیشنهادی دولت استعفا نمود، و دولت را برابر انتخاب مذاکرات مجدد یا در نظر نگرفتن قوانین ضد انحصار و اعمال اصل ۵۲ قانون ضد انحصار که به دولت اجازه می داد تا به دلایل امنیت ملی قوانین ضد انحصار مد نظر قرار ندهد، قرار داد.

دولت برای توجیه اهمیت ژئوپلیتیکی و امنیتی منابع گاز، ۳ استدلال ارائه نمود. اولاً:

- ۱- سرعت بخشیدن به صادرات گاز به همسایگان جهت ایجاد ثبات در آنها
- ۲- جلوگیری از صادرات گاز ایران به کشورهای منطقه بدلیل رفع تحریم ها
- ۳- بهره برداری سیاسی از صادرات گاز به اروپا به ویژه به یونان و قبرس و افزایش روابط اقتصادی با اروپا

منطق به کار گرفته شده برای استفاده از اصل ۵۲ با کشف میدان عظیم گازی زهر مصر، کاهش شدید قیمت های نفت و گاز در سال ۲۰۱۴ و تضعیف احتمال صادرات گاز ایران و عدم ممانعت از صدور تحریم ها (همانند آنچه برای روسیه رخ داد) با مشکل مواجه شد. با وجود این موانع، دولت اقدام به اعمال اصل ۵۲ در دسامبر سال ۲۰۱۵ نمود.

با وجود تصویب چارچوب جدید، کاهش شدید قیمت گاز در بازارهای جهان مانع از توسعه میدان لویاتان شد. کشف میدان "زهر" و عدم تحقق سرمایه ای که قرار بود از محل صدور گاز به تاسیسات ال ان جی مصر فراهم شود، منجر به تشدید مشکلات توسعه میدان لویاتان شد. مسیر طولانی طی شده و منازعات سیاسی به وقوع پیوسته در مورد منابع گاز، فرآیند پیچیده تصمیم گیری اقتصادی در سیستم سیاسی این رژیم را آشکار نمود. در طی این روند، شفافیت فرآیند تصمیم گیری مورد تردید قرار گرفت، و استفاده مشکوک از ملاحظات امنیتی برای تسریع سیاست های اقتصادی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و رشد فزاینده شکاف بین دولت و پارلمان و دولت و سازمانهای قانون گذاری را نشان داد.

تأثیرات اقتصادی-اجتماعی

بیشترین اثر داخلی اکتشاف گاز، ایجاد انتظارات جدید در بین مردم و اعتقاد به کاهش هزینه زندگی بود. عکس العمل احساساتی مردم، ناشی از وجود مشکلات عمیق تری بیش از مسئله گاز بوده است و ناامیدی مردم از شرکت های گاز، رهبری سیاسی و ساختار اقتصادی این رژیم را نشان داد. سرازیر شدن این احساسات به سمت مسائل گاز، تلاش برای توافق با توسعه دهندگان میدان گاز را دشوار نمود. مشکلات اقتصادی این رژیم از تابستان سال ۲۰۱۱ با تظاهرات و اعتراض مردم به ساختار اقتصادی و انحصار بازار و عدم وجود رقابت آغاز شد. لذا خواست مردم برای رفع انحصار به شدت مورد حمایت قرار گرفت. اعلام کمیته ضد انحصار مبنی بر انحصار گاز، باعث تحریک احساسات مردم و ورود آنان به مسائل مربوط به گاز شد.

نارضایتی های عمومی در مسئله گاز، سبب تغییر موضوع گاز از مسئله ای امنیتی به مسئله اقتصادی و داخلی شد. درحالیکه رقابای سیاسی رژیم صهیونیستی درگیر پس آمدهای بهار عربی بودند، تهدید امنیتی از سوی این کشورها تضعیف و لذا قبول فداکاری و پرداخت هزینه های اقتصادی دیگر از سوی مردم قابل قبول نبود. تغییر مسئله گاز به مسئله ای اقتصادی، سبب اختلاف بین اقتصاددانانی که درباره مسائل گاز مواضع یکسانی نداشتند و در محافل سیاسی نادیده گرفت شده بودند گردید. این سردرگمی به ویژه در هنگام بررسی نتایج چارچوب پیشنهادی گاز توسط دولت بیشتر آشکار شد و گروهی خواستار بازار رقابتی و گروهی دیگر از انحصار حمایت کردند.

اثرات اقتصادی

ورود مردم به مسئله گاز ریشه در انتظارات غیر واقع بینانه و کج فهمی در انتظارات اقتصادی از منابع انرژی دارد. در ابتدا، کشف گاز به عنوان راه حلی برای معضلات اقتصادی و کاهش هزینه های آب و برق، کاهش قیمت مواد غذایی، کاهش مالیات و به عنوان منبعی برای اصلاحات در امر آموزش و سلامت و حمایت از پروژه های بزرگ و تامین منابع بسیار زیاد دفاعی تصور می شد. این برداشتها، مانع از مصالحه مردم به کمتر از وفای به این تعهدات، و عدم برخورداری از منافع حاصله به معنای فساد و عدم کفایت دولت بود. درآمد های گاز بر اقتصاد این رژیم تاثیر خواهد گذارد، ولی نه به آن اندازه که مردم فکر می کنند. براساس ارزیابی مجدد بانک مرکزی این رژیم در

پی کاهش قیمت نفت و گاز در میانه سال ۲۰۱۴، سهم دولت از درآمدهای میادین تمار و لویاتان برای ۳۰ سال تولید، معادل ۲/۷ درصد از بودجه دولت این رژیم در سال ۲۰۱۵ برآورد شده است. این درآمد تنها هنگامی محقق خواهد شد که تولید از میدان لویاتان آغاز و شرکت های تولید کننده به سود آوری برسند. قابل توجه است که این درآمدها مستقیم به خزانه دولت واریز نخواهد شد و در صندوق ذخیره توسعه ملی نگهداری و برای طرح‌های زیربنایی، افزایش اشتغال و درآمد استفاده خواهد شد.

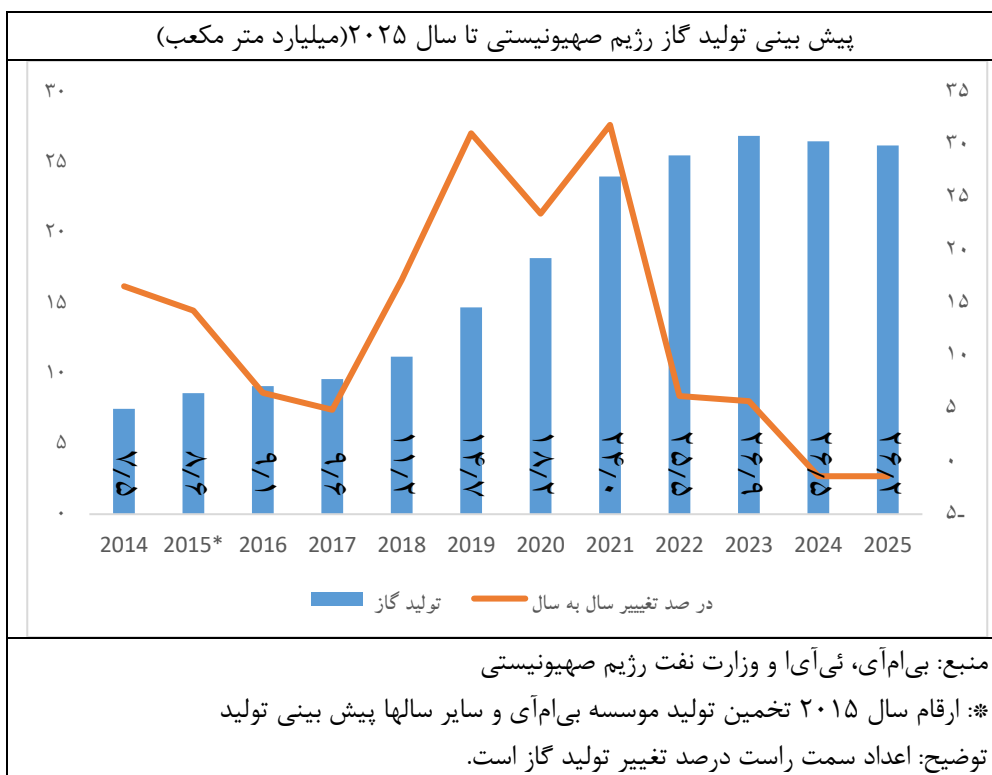
مهمترین اثر اقتصادی گاز، استفاده ارزانتر از منبع انرژی با آلودگی کمتر می‌باشد. گاز طبیعی می‌تواند جایگزین واردات زغال سنگ در بخش نیروگاهی و در بلند مدت جایگزین بخشی از واردات نفت در بخش حمل و نقل شود که در این صورت این رژیم کمتر در معرض نوسانات قیمت های انرژی قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، ۶۰ درصد آب آشامیدنی این رژیم توسط ۴ مجتمع شیرین‌سازی تامین می‌شود که مصرف انرژی بالایی داشته و از گاز می‌توان برای تولید آب شیرین که احتمالاً در آینده منشاء تعارض و منازعه در خاورمیانه است، استفاده شود. بازار داخلی این رژیم مقصد اصلی کشفیات جدید گاز خواهد بود و دولت تلاش می‌نماید بهره برداری از گاز را در بخش‌های مختلف افزایش دهد. افزایش مصرف گاز در بخش های صنعت، خانگی، تجاری و کشاورزی بیشتر به سود اقتصاد و محیط زیست خواهد بود و این رژیم این فرصت را دارد تا در صف اول فناوری‌های مربوط به گاز قرار گیرد. در بخش نیروگاهی در بسیاری از ارزیابی‌ها، برای انرژی‌های تجدیدپذیر نقش بسیار فراتر از انتظاری پیش‌بینی شده و انتظار می‌رود تا زمانی که فن آوری های مقرون به صرفه‌تر تجدیدپذیر، توسعه یابند، از گاز بعنوان سوختی مناسب نام برده شود. نخبگان این رژیم، معتقدند که این رژیم نایستی صرفاً وابسته به مصرف و استفاده از گاز برای تولید برق باشد و سرمایه گذاری برای فناوری‌های جدید و مبتکرانه جهت استفاده از گاز برای سایر مصارف را تشویق می‌نماید. در این راستا دولت این رژیم اقدام به انتشار مناقصات برای توسعه فناوری های وابسته گاز و و ارائه بورس‌های تحصیلی و گنجاندن برنامه‌های آموزشی جدید در مهندسی انرژی در مقاطع تحصیلات تکمیلی نموده است.

نتیجه گیری

کشف میادین عظیم گاز علاوه بر تاثیرات اقتصادی و ژئوپولیتیکی، نظام سیاسی و اجتماعی رژیم صهیونیستی را دگرگون کرده است. منابع کشف شده، علاوه بر مزایای مهم اقتصادی باعث تحکیم موقعیت ژئوپولیتیکی در منطقه و خروج این رژیم از انزوا خواهد شد. از سوی دیگر کشف این منابع، باعث سربرآوردن و تشدید مشکلات عمیق اجتماعی، نارضایتی از وضعیت اقتصادی و سیاسی در بین اقشار مردم و افزایش شکاف بین مردم و گروه‌های مختلف سیاسی و منجر به ظهور دو طرز تفکر مخالف در رژیم صهیونیستی شد. مسیر طی شده این رژیم برای بهره برداری از منابع طبیعی خود در مقایسه با سایر کشورهای دارای ذخایر غنی طبیعی، متفاوت است. اما نتایجی که از آن می‌توان استنباط نمود چندان متفاوت نیست. کشف گاز نشان داد که جداسازی منابع انرژی از مسائلی داخلی و تلاش بر تمرکز صرف بر روی نقش منطقه ای یا تأثیرات ژئوپولیتیکی آنها

به دلیل تضاد و یا نقش مکمل آنها بسیار مشکل است. با وجود عدم اعمال یارانه در بخش انرژی، این رژیم شاهد بروز انتظاراتی مشابه با سایر کشورهای دارای ذخایر انرژی در منطقه از سوی مردم بوده است. عقیده دیرینه ای که منابع انرژی متعلق به مردم است و در صورت عدم برخورداری از منافع آن، دولت مقصر اصلی قلمداد محسوب و خواستار تغییر آن دولت خواهند شد. این امر، ایجاد تعادل در مسئولیت دولت برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و متقاعد نمودن مردم در این که دولت در تلاش برای افزایش کامیابی و تنعم مردم است را بسیار مشکل می‌سازد. دولت رژیم صهیونیستی به جای انتخاب شعار اصلاحات اقتصادی و اعمال یارانه‌ها، بطور مکرر بر اهمیت مزایای ژئوپلیتیکی و منطقه‌ای گاز تاکید نموده است. این گزینه ممکن است در کوتاه مدت راه گشا باشد، اما با شروع صادرات حجم قابل ملاحظه گاز، دولت از سوی افکار عمومی و عدم بهره‌برداری مناسب از درآمدهای حاصله تحت فشار قرار خواهد.

چشم انداز تولید گاز رژیم صهیونیستی تا سال ۲۰۲۵



میدان تمار

بر اساس پیش بینی‌ها تولید صادرات گاز از میدان تمار از سال ۲۰۱۸ آغاز خواهد شد، با این حال تاکنون برای ۹۵ میلیارد گاز تولید شده از این میدان تاکنون قراردادی منعقد نشده است. در ماه می سال ۲۰۱۴، توسعه دهندگان این میدان قراردادی ۱۵ ساله با شرکت یونیون فسونا گاز و صادرات ۷۵ میلیارد مترمکعب گاز به پایانه دمیتای مصر و صادرات ال‌ان‌جی از این مجتمع به بازار امضاء نمودند. این قرارداد عاملی کلیدی برای توسعه میدان تمار و صادرات ال‌ان‌جی است. تحقق این امر مستلزم ۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری و احداث خط لوله و توسعه این میدان و احتمال صادرات از میانه سال ۲۰۱۸ است.

موافقت‌نامه‌های فروش گاز میدان تمار			
صنعت و سایر بخش‌ها	آی‌پی‌پی و نیروگاهی	شرکت برق رژیم صهیونیستی	
۸/۵	۷۰-۷۲	۸۷ (امکان افزایش ۱۲ م.م.م)	میزان گاز در قرارداد (میلیارد متر مکعب)
۸-۵	۱۹-۱۵	۱۵-۱۷	مدت قرارداد (سال)
۶/۶	۶/۷	۵/۷۵	متوسط قیمت (دلار در میلیون بی‌تی‌بو)
منبع: شرکت دلک			

میدان لویاتان

با تصویب تصمیم نهائی توسط توسعه دهندگان میدان لویاتان در سال ۲۰۱۷، تولید از فاز اول این میدان به ظرفیت ۱۲ میلیارد متر مکعب شروع خواهد شد.

قراردادهای فاز اول توسعه میدان لویاتان			
مدت قرارداد (سال)	میزان قرارداد (میلیون دلار)	میزان گاز در قرارداد (میلیارد متر مکعب)	
۱۵	۱۰۰۰۰	۴۵	شرکت برق اردن
۱۸	۳۰۰۰	۱۳	آی‌پی‌ام بیر
۲۰	۲۰۰۰	۸/۸	ار پاور انرژیز (دالیا)
۱۵	۱۳۰۰	۶	ادل تک
۱۵	۷۰۰	۳/۱۲	پالایشگاه پاز
منبع: بی‌ام‌آی			

توسعه فاز دوم این میدان و افزایش تولید به میزان ۱۰ میلیارد متر مکعب در گرو تحقق صادرات به مصر، ترکیه یا اروپا خواهد بود.

قراردادهای فاز دوم توسعه میدان لویاتان			
مدت قرارداد (سال)	آی‌پی‌پی و نیروگاهی	کشور	
۱۵	۴۵	اردن	شرکت برق اردن
۱۵	۱۰۷	مصر	بی‌جی‌گروپ (اکنون بخشی از شل است)
۱۵-۱۰	۴۰-۶۰	مصر	دولفینوس*
منبع: شرکت دلک			
*: در حال مذاکره			
توضیح: با توجه به امکان اندک صادرات به مصر پس از کشف میدان زهر و چالشهای سیاسی برای احداث خط لوله به ترکیه و صادرات گاز به اروپا، در ارزیابی مؤسسه بی‌ام‌آی پیش‌بینی صادرات به این مقاصد لحاظ نشده است.			